



گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِي خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهار گفتار از آن جناب در نکوهش رشوه گیرنده و رشوه دهنده و کسی که میان آن دو وساطت می کند.

۱. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَّاسَانِيَّ يَقُولُ: الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي وَالرَّائِشُ بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّ هَذِهِ دَوْلَةٌ جَوْرٍ وَإِنَّ الرَّجُلَ مِمَّا لَا يُعْطَى حَقَّهُ حَتَّى يَرِشُوهُ، قَالَ: لَوْ لَا أَنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ مَا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الظَّالِمِينَ، فَغَيِّرُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ، وَإِذَا أُحِيطَ بِكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تُعْطُونَ مِنْ أَمْوَالِكُمْ تَأْخُذُونَ بِهِ الْحَقَّ وَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ حَقِّهِ تَمَرَّةً فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ!

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور هاشمی خراسانی می فرماید: رشوه دهنده و رشوه گیرنده و رشوه رساننده میان آن دو لعنت شدگان بر زبان داوود و عیسی بن مریم هستند! گفتیم: فدایت شوم، این حکومت ظلم است و کسی از ما حقیقت داده نمی شود تا آن گاه که رشوه دهد، فرمود: اگر نه این بود که شما ظلم کردید خداوند ظالمان را بر شما مسلط نمی کرد، پس تا جایی که می توانید (این وضع را) تغییر دهید و هرگاه به شما احاطه شد (یعنی از هر جهت در تنگنا قرار گرفتید و راه گریزی نماند) گناهی بر شما در چیزی از اموالتان که می پردازید تا با آن حق (خود) را بگیرید نیست و هر کس فراتر از حق خود دانه‌ی خرمایی بجوید، باید جای خود را در آتش مهیّا کند!

۲. أَخْبَرَنَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْجُزْجَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّمَا الْإِرْتِشَاءُ فِي الْحُكْمِ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ، لِأَنَّ الْكُفْرَ أَنْ يَحْكُمَ الرَّجُلُ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ، وَلَكِنَّهُ إِذَا ارْتَشَى لِذَلِكَ فَقَدْ أَزَادَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا!

ترجمه‌ی گفتار:

عیسی بن عبد الحمید جوزجانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: رشوه ستاندن در حکم، افزایشی در کفر است؛ زیرا کفر آن است که انسان به غیر چیزی که خداوند نازل کرده است حکم کند، ولی هرگاه برای آن رشوه ستاند، پس بر طغیان و کفر افزوده است!

۳. أَخْبَرَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ عَبْدِ الْقَيْوَمِ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: أَقُولُ لَكُمْ الْحَقَّ، لَوْ أَتَى الرَّجُلُ أُمَّهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَرْتَثِيَ فِي الْحُكْمِ وَإِذَا ارْتَثَى الْحَاكِمُ اضْطَرَبَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد السلام بن عبد القیوم بلخی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: به شما حق را می‌گویم: اگر مرد با مادر خویش زنا کند برایش بهتر از آن است که در قضاوت رشوه ستاند و چون قاضی رشوه ستاند، آسمان‌ها و زمین مضطرب می‌گردند!

۴. أَخْبَرَنَا جُبَيْرُ بْنُ عَطَاءٍ الْحُجَنْدِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ أَعْظَمِ الذُّنُوبِ، فَارْتَعَدَتْ مَقَاصِلُهُ ثُمَّ قَالَ: أَعْظَمُ الذُّنُوبِ ثَمَانِيَةٌ: الشَّرْكَ بِاللَّهِ وَالْكَذِبُ عَلَيْهِ وَالرُّشَى فِي الْحُكْمِ وَقَتْلُ الْمُؤْمِنِ مُتَعَمِّدًا وَاللَّوَاظَةَ وَالرِّزَا بِذَاتِ الْمَحْرَمِ وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ طُلْمًا وَالرِّبَا بَعْدَ الْمَوْعِظَةِ! قُلْتُ: أَلَيْسَتْ الْبَيْعَةُ مَعَ إِمَامٍ جَائِرٍ طَوْعًا؟ فَإِنِّي سَمِعْتُكَ تَسْتَعْظِمُهَا، قَالَ: وَهَلْ هِيَ إِلَّا الشَّرْكَ بِاللَّهِ؟!

ترجمه‌ی گفتار:

جُبیر بن عطاء حُجندی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی بزرگ‌ترین گناهان پرسیدم، پس لرزه بر اندامش افتاد، سپس فرمود: بزرگ‌ترین گناهان هشت چیزند: شریک گرفتن برای خداوند و دروغ بستن بر او و رشوه ستاندن در قضاوت و کشتن مؤمن از روی عمد و لواط کردن و زنا کردن با محرم و خوردن مال یتیم از روی ستم و ربا بعد از موعظه! گفتم: آیا بیعت کردن به میل خود با امامی جائر (از بزرگ‌ترین گناهان) نیست؟ چون شنیدم که آن را بزرگ می‌شماری، فرمود: آیا آن چیزی جز شریک گرفتن برای خداوند است؟!

شرح گفتار:

گفتار آن جناب که فرمود: «اگر مرد با مادر خویش زنا کند برایش بهتر از آن است که در قضاوت رشوه ستاند»، مبتنی بر این است که رشوه ستاندن در قضاوت «افزایشی در کفر» است، در حالی که زنا با مادر کفر محسوب نمی‌شود، بلکه فسق محسوب می‌شود و آن با همه‌ی سترگی‌اش از کفر کوچک‌تر است. وانگهی زنا گناهی فردی است که هرگاه قاضی رشوه گیرنده نباشد، کیفی

در خور داده می‌شود و در نتیجه، جز به ندرت روی نمی‌دهد، در حالی که هرگاه قاضی رشوه گیرنده باشد، کیفری در خور داده نمی‌شود و تبعاً در جامعه شیوع می‌یابد، بل هر ظالمی که مالی دارد، بر ظلم خود دلیر می‌گردد و از کیفر آن نمی‌هراسد؛ چراکه با مال خود، قاضی را می‌خرد و در برابر، هر مظلومی که تنگدست است، از گرفتن حق خود نومید می‌گردد؛ زیرا مالی ندارد که به قاضی بپردازد. پس بدین سان، ظلم و فسق در جهان شیوع می‌یابند و «آسمان‌ها و زمین مضطرب می‌گردند». از این روست که آن جناب، رشوه ستاندن قاضی را پس از «شُرک به خداوند و دروغ بستن بر او» و پیش از «کشتن مؤمن از روی عمد و لواط کردن و زنا کردن با محرم و خوردن مال یتیم از روی ستم و ربا بعد از موعظه» یاد فرموده و مرادش از «ربا بعد از موعظه»، خوردن ربا بعد از علم به حکم آن است؛ با توجه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ «و خداوند فروش را حلال و ربا را حرام کرده است، پس هر کس موعظه‌ای از پروردگارش به او رسید دست برداشت، چیزی که گذشته برای اوست و کارش با خداوند است و هر کس تکرار کند، آنان اهل آتشند و در آن جاودان خواهند بود».

برای خواندن شرح کامل این حکمت‌های نورانی، به پرسش و پاسخ ۳۰۰ مراجعه کنید.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌باشی خراسانی



با نهضت

«بازگشت به اسلام»

آشنا شوید.